

خیابان قدیمی تهران که دو حرف است. مطمئناً جواب این سؤال خیابان ری است. اما اگر نمی‌دانستیم چه مشکلی پیش می‌آمد؟ هیچی! حالا که فهمیدیم چه گره‌ای باز شد؟ باز هم هیچی! از این مطالعات هیچی زیاد داریم. رودخانه‌ها، دره‌ها، پایتخت‌ها؟ مثلاً برای جوانان کتاب می‌نویسند دربارهٔ تعداد برادران شیخ مفید، نام فرزندان و محل تولدشان. مگر مهم است؟ اما به اینکه شیخ مفید چه کرد که شیخ مفید شد و یا کلید و رمز موفقیت ایشان چه بوده است، نمی‌پردازند. امام خمینی (ره) با ۲۰۰ تا کتاب در کتابخانه‌اش دنیا را تکان داد، اما محسن قرائتی با ۱۰ هزار تا کتاب یک مزرعه را هم تکان نداده است.

■ جوانان چگونه از جوانی و وقت خودشان به بهترین نحو استفاده کنند؟

باید مسائلی یاد بگیرند که مورد نیازشان است؛ مثل خط خوب، شننا، تیراندازی، کارهای دستی، هنرهایی که پدر و مادرها دارند. هر بچه‌ای با ذوق و امکانات خودش. یعنی اگر پدر خانواده نجار باشد، خوب نجاری راحت‌تر است و دیگر نیازی به کارگاه و سرمایه‌گذاری نیست. در کنار پدرش آموزش می‌بیند. یا اگر مادری خیاط است، هنر مادر به بچه‌اش منتقل شود. ما در حال حاضر میلیون‌ها پدر و مادر

علم بی‌خاصیت

گفت‌وگو با حجت الاسلام محسن قرائتی

مطمئناً این عبارت را بارها شنیده‌اید که هر چه بکارید همان را درو می‌کنید. دوران نوجوانی و جوانی زمان کاشتن بذرها در دل انسان‌هاست. بذرهایی که اگر درست انتخاب شوند، روزی به درختان پربار و تناور تبدیل خواهند شد. اما اینکه چه نوع بذری در وجودمان بکاریم، نیازمند مشورت با بهترین افراد است. به همین دلیل این بار با حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی، معلمی که سال‌ها در قاب جادویی تلویزیون درس‌هایی از قرآن را به ما آموخته است، دربارهٔ علم مفید، کار، و روش زندگی به گفت‌وگو نشستیم.

باشند: «و علما نافعاً.» پیغمبر ما هر روز در دعایشان می‌گفتند پناه می‌برم به خدا از اطلاعات بی‌خاصیت. بلای امروز ما همین موضوع است. گاهی علم ما نافع نیست. در جدول روزنامه سؤال پرسیده می‌شود:

■ آقای قرائتی شما بارها دربارهٔ علم مفید در برنامه‌های تلویزیونی صحبت کرده‌اید. علم مفید چه نوع علمی است؟
عقل و اسلام می‌گوید که علم‌ها باید مفید



تا دینمان را حفظ کنیم. به جای اینکه به قرائتی بگویند مجتهد است یا نیست، باید پرسند چه هنری دارد. هنر او مهم است نه چیز دیگری.

آقای قرائتی، جوان امروزی چگونه باید موجب رشد خودش شود؟ قرآن درباره الگوی رفتاری جوان چه می‌گوید؟

درون هر کاری که انسان انجام می‌دهد، باید سه نوع رشد وجود داشته باشد: رشد جسمی، مثل مسائل طبی و بهداشت، رشد روحی، مثلاً کمال و سخاوتش بیشتر شود و رشد فکری. پس باید رشد در سه بُعد علمی، روحی و جسمی رخ دهد. شما در اطلاعات غیرمفید هیچ رشدی نمی‌بینید. نه په درد دنیا می‌خورد و نه به درد آخرت. مثلاً یک نمونه رشد در قرآن این است که خداوند به حضرت موسی(ع) می‌گوید: فکر نکن که چون پیامبر اولوالعزمی همه مسائل را می‌دانی.

فردی وجود دارد که باید پیش این مرد شاگردی کنی. قرآن می‌گوید: موسی پیش او (خضر) رفت و گفت: «هل أتبعک علی أن تعلمن مما علمت رشداً». (کهف، ۶۶) هل یعنی آیا، أتبعک یعنی تبعیت کنم از تو برای رشد من. یعنی باید رشدی در وجود من باشد.

فردی وجود دارد که باید پیش این مرد شاگردی کنی. قرآن می‌گوید: موسی پیش او (خضر) رفت و گفت: «هل أتبعک علی أن تعلمن مما علمت رشداً». (کهف، ۶۶) هل یعنی آیا، أتبعک یعنی تبعیت کنم از تو برای رشد من. یعنی باید رشدی در وجود من باشد.

فردی وجود دارد که باید پیش این مرد شاگردی کنی. قرآن می‌گوید: موسی پیش او (خضر) رفت و گفت: «هل أتبعک علی أن تعلمن مما علمت رشداً». (کهف، ۶۶) هل یعنی آیا، أتبعک یعنی تبعیت کنم از تو برای رشد من. یعنی باید رشدی در وجود من باشد.

فردی وجود دارد که باید پیش این مرد شاگردی کنی. قرآن می‌گوید: موسی پیش او (خضر) رفت و گفت: «هل أتبعک علی أن تعلمن مما علمت رشداً». (کهف، ۶۶) هل یعنی آیا، أتبعک یعنی تبعیت کنم از تو برای رشد من. یعنی باید رشدی در وجود من باشد.



دیگر، علم‌های غیرمفید باید پاک‌سازی شوند. قرآن می‌گوید: یک سلسله از اطلاعات بی‌خاصیت هستند. قرآن گله می‌کند که نشسته‌اند به جای هدف آمار می‌گیرند. مثلاً در خصوص تعداد اصحاب کهف می‌فرماید: «ثلاثه رابعهم کلبهم ... خمسہ سادسهم کلبهم ... سبعة و ثامنهم کلبهم». دانستن اینکه اصحاب کهف چهار نفر بوده‌اند یا شش نفر چه فایده‌ای دارد؟ موضوع این است که تعدادی مرد جوان در محیط فاسدی قرار داشتند. دیدند دینشان دارد از دست می‌رود، گفتند ما از این جامعه می‌رویم و در مکان دیگری زندگی می‌کنیم

هنرمند داریم. پدر و مادرها هنرهایشان را به فرزندان خودشان آموزش دهند. از طرف دیگر، در مدتی که بچه‌ها در اختیار آموزش و پرورش هستند، بهتر است هنری آموزش ببینند مثل بافندگی، خیاطی، آشپزی، مکانیکی، گچ بری و یا هر هنری که خودشان دوست دارند. براساس هنر نمره بگیرند و نه بر اساس محفوظات. حالا اگر به دانشگاه رفت هنری هم در آنجا یاد بگیرد. در این صورت فارغ‌التحصیلان ما دو نوع هنر یاد گرفته‌اند. حالا اگر استخدام شد، الحمدلله و اگر استخدام نشد، دیگر منتظر استخدام نمی‌ماند. اما از طرف



با اینکه سؤالات بسیار زیادی باقی مانده بود، به دلیل فشردگی برنامه‌های آقای قرائتی مجبور به خداحافظی شدیم. ایشان با مهربانی ما را بدرقه کردند. از اتاقشان که خارج شدم یاد این بیت معروف مولانا در «دیوان شمس» افتادم:

درخت و برگ برآید ز خاک این گوید
که خواجه هر چه بکاری تو را همان روید